

برآورد تهدیدات سیاسی با رویکرد کنترل و مهار و نقش آن در ارتقای امنیت ملی

حمیدرضا رفعتی^۱

محمدحسین صنیعی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۱۸

چکیده:

تهدید سیاسی، تهدیدی است که بدون در نظر گرفتن منبع آن، امنیت ملی کشورها را به لحاظ سیاسی با خطر مواجه می‌سازد. تهدید برای بازیگران سیاسی مخاطره‌ای مهم است و شناخت موضوعات مرتبط با آن نقش مهمی در اداره حکومت دارد. برای این شناخت لازم است چگونگی برآورد تهدید مورد توجه و بررسی قرار گیرد. هدف انجام این تحقیق برآورد تهدید سیاسی با رویکرد کنترل و مهار و نقش آن در ارتقای امنیت ملی بوده و در نظر است به این سؤال پاسخ داده شود که برآورد تهدید سیاسی چگونه صورت می‌گیرد و چگونه می‌توان اقدامات کنترلی را برای مهار آن و ارتقای امنیت ملی بکار گرفت؟ این تحقیق کاربردی بوده و از روش توصیفی تحلیلی استفاده شده و ابزار جمع‌آوری به صورت میدانی و کتابخانه‌ای است. نتایج تحصیل شده حاکی است که هر تهدیدی دارای بستری اجتماعی در گذشته و هویت‌های نامحسوس در درون جامعه است که در صورت درک صحیح و مدیریت آن می‌توان با هزینه‌ای ناچیز به نتایج کاربردی در خصوص تأمین منافع بازیگر دست یافت و پدیده سیاسی را که ترکیبی از تهدید و فرصت است را به فرصت تبدیل نمود. برآورد تهدید باعث می‌شود که یک بازیگر در مواجهه با تهدید، اقداماتی را از جمله؛ شناسایی تهدید، تحلیل تهدید، سنجش تهدید، طراحی الگوی مناسب برای مواجهه با تهدید، کنترل و مهار آن که منجر به ارتقای امنیت ملی می‌شود را طراحی و به اجرا گذارد. این فعالیت‌ها با هدف تشخیص قابلیت‌ها، محدودیت‌ها و آسیب‌پذیری‌ها، نیات (راه‌کارها) و محتمل‌ترین راه‌کارهای عوامل تهدیدگر صورت می‌گیرد و اگر برآورد به درستی انجام شود و نقاط قوت و ضعف شناسایی گردد، زمینه را برای ارتقای امنیت ملی فراهم می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: تهدید، تهدید سیاسی، برآورد تهدید، رویکرد کنترل و مهار، امنیت ملی

۱. دانشجوی دوره دکتری امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول)

۲. استادیار دانشگاه عالی دفاع ملی – saniee@sndu.ac.ir

مقدمه: در ادبیات سیاسی تهدید، عنصر یا وضعیتی است که اهداف، منافع و ارزش‌های حیاتی یک کشور را به خطر اندازد. ساده‌ترین تعریف از تهدید، فقدان امنیت است. با این رویکرد، فقدان امنیت ملی عبارت از؛ به خطر افتادن اهداف ملی، منافع ملی و ارزش‌های حیاتی یک کشور است. در طول تاریخ کشورهای قوی برای سلطه بر دیگر کشورها از شیوه‌های مختلفی بهره گرفتند که در ابتدا با توسل به زور و قدرت نظامی و در دوره‌های بعد از روش‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... برای اعمال فشار استفاده کردند. این کشورها اقدامات خود را علیه کشورها با محور قرار دادن مواردی همچون ناکارآمدی نظام سیاسی و ناتوانی در برقراری امنیت داخلی و با هدف مشروعیت‌زدایی در داخل این کشورها متمرکز می‌نمایند.

از جمله این اقدامات دخالت در امور سیاسی، حمایت از نیروهای مخالف در خارج کشور و گروه‌های سیاسی وابسته در داخل، تلاش به منظور شکاف بین دولت و ملت با اجرای اقدامات روانی و تبلیغاتی و در نهایت روی گردانی مردم از نظام با هدف ایجاد تحولات اجتماعی و سیاسی بحران‌زا است که به‌عنوان چالش‌های ناامنی سیاسی، امنیت ملی یک نظام را هدف قرار می‌دهد. در نظام بین‌الملل دولت‌ها به‌مثابه واحد سیاسی با مؤلفه‌های جمعیت، قلمرو، حکومت و حاکمیت و نظام ارزشی مشخص، شناخته می‌شوند. این واحدها همواره با تحولاتی از داخل و خارج مواجه‌اند.

برخی از تحولات موجب افزایش قدرت سیاسی و برخی موجب تضعیف قدرت سیاسی آن‌ها می‌شود. هر نظام سیاسی برای حفظ بقای خود، نیازمند ثبات سیاسی و انسجام ملی است. افزایش مشروعیت سیاسی یک کشور به توانایی‌های آن کشور در ایجاد انسجام سیاسی و برخورداری از حمایت، رضایت‌مندی و قدرت اقناع‌سازی افکار عمومی بستگی دارد. به‌طور طبیعی در صورتی که دولتی نتواند قدرت سیاسی لازم را در حوزه داخلی و خارجی ایجاد کند، با بحران‌ها و تهدیدات مختلف سیاسی مواجه خواهد شد.

دولت‌ها با انجام اقدامات روانی تمام تلاش خود را برای دستیابی به میزان اقتدار و هژمونی سیاسی، میزان انسجام و همزیستی مسالمت‌آمیز و حفظ هویت و یکپارچگی ملی، میزان تولید و بازتولید هنجارهای سیاسی، به جریان انداختن گفتمان‌های مسلط در درون جامعه و در عرصه بین‌المللی و برخورداری از مقبولیت و مشروعیت لازم مصروف می‌دارند. اگر این تلاش به‌درستی انجام نگیرد و کشوری از قبل نتواند بحران‌های سیاسی را برآورد نماید، خیلی سریع گرفتار آن‌ها

شده و برای مقابله با مشکل مواجه خواهد بود.

مسئله اصلی این است؛ تهدید سیاسی ممکن است هویت و منافع ملی یک کشور را از طریق تلاش برای گسترش جدایی هویت فرهنگی و قومی بین گروه‌ها، تقویت گروه‌های جدایی طلب، حمایت از احزاب و گروه‌های سیاسی هم‌فکر، حمایت تبلیغاتی از گروه‌های سیاسی هم‌سو و ... را با خطر مواجه کند و در نهایت منجر به کاهش انسجام سیاسی، افزایش خواسته‌های قومی، مذهبی و تمایل به خودمختاری، تضعیف مرجعیت حکومت ملی، بروز بحران کارآمدی و ... شود. از این رو با توجه به تهدیداتی که دولت‌ها در عرصه سیاسی با آن‌ها مواجه هستند برای جلوگیری از غافل‌گیر شدن، باید تدابیر لازم را اتخاذ نمایند و بتوانند قبل از بروز هر نوعی از تهدید اقدامات بایسته را در این خصوص انجام دهند. بنابراین هدف این تحقیق این است که با توجه به تهدیدات اشاره شده، دولت‌ها چگونه می‌توانند تهدیدات سیاسی را قبل از وقوع در جامعه برآورد و شناسایی نمایند و اقدامات مناسب را با رویکرد کنترل و مهار انجام دهند تا در نهایت منجر به ارتقای امنیت ملی گردد.

بر این اساس اهمیت تحقیق عبارت است از:

- ۱- شناخت تهدیدات سیاسی کشور به منظور تدوین راهبردهای سیاسی - امنیتی اولین اقدام در روند پیشرفت کشور تلقی می‌شود.
- ۲- شناخت درست و منطقی تهدیدات سیاسی موجب خواهد شد حرکت‌های نظام در عرصه بین‌الملل و منطقه‌ای با شیوه درست و مبتنی بر شناخت تهدیدات پیش برود.
- ۳- راهبردهای کنترل، مهار و در نهایت مقابله را برای تصمیم‌گیران سیاسی فراهم می‌آورد و به‌موقع از تبدیل آن‌ها به یک حادثه جبران‌ناپذیر جلوگیری می‌کند.

و ضرورت تحقیق در آن است که:

- ۱- تا زمانی که شناخت حاصل نگردد تدوین راهبردها اثرگذاری مطلوب و بهینه خود را در کشور به‌جای نمی‌گذارد. اصولاً راهبردها با در نظر گرفتن نیازهای امنیتی، اقتصادی و علمی کشور بر اساس سمت‌وسوی تهدیدات و آسیب‌پذیری‌های هر حکومتی قابل اجراست.
- ۲- در صورتی که این امر به خوبی انجام نشود و پدیده‌ها به‌موقع شناسایی نشوند، چه‌بسا یک پدیده به تهدید تبدیل و در نهایت به بحران ختم شود که در آن صورت هزینه کنترل و مقابله برای حفظ نظام چند برابر خواهد شد.

روش‌شناسی تحقیق:

۱. نوع تحقیق: این تحقیق از نوع کاربردی است زیرا محقق در پی آن است تا نتایج تحقیق بکار گرفته شود.
۲. روش تحقیق: با توجه به اینکه محقق درصدد مطالعه وضعیت حال بوده روش تحقیق توصیفی - تحلیلی مورد استفاده قرار گرفته است.
۳. جامعه آماری و روش نمونه‌گیری: جامعه آماری با بهره‌گیری از اسناد و مدارک و منابع موجود در این حوزه هست، در این تحقیق سعی شده پیرامون هر یک از متغیرهای مربوط به تهدید فیش‌برداری انجام شد و در نهایت با جمع‌بندی موارد مرتبط با موضوع، چگونگی برآورد تهدید سیاسی ارائه گردید.
۴. روش جمع‌آوری داده‌ها: روش جمع‌آوری به صورت کتابخانه‌ای انجام شده است که اسناد و مدارک مرتبط با موضوع تحقیق جمع‌آوری گردید.
۵. ابزار گردآوری داده‌ها: جمع‌آوری اطلاعات از طریق فیش‌برداری از اسناد و مدارک صورت گرفته است.
۶. روایی و اعتبار ابزارهای گردآوری: روایی با تأیید نظر کارشناسان و متخصصین امر در این حوزه تعیین گردیده است.
۷. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: تجزیه تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا و با ترسیم مدل، چگونگی برآورد تهدید سیاسی نشان داده شده است. در روش تحلیل محتوا یک روش استنباطی است که به صورت منظم و عینی به منظور تعیین ویژگی‌های اطلاعات به کار برده می‌شود. در این روش، اطلاعات به صورت منظم کدگذاری و طبقه‌بندی و در نهایت تجزیه و تحلیل می‌شوند.

ادبیات و مبانی نظری تحقیق: تهدید مفهومی کاملاً «ذهنیت پرورده» است و بسته به ذهنیت متفاوت، حتی می‌تواند به «فرصت» تعبیر شود. از سوی دیگر تهدیدات در طول زمان یکسان نمی‌مانند بلکه در مقابل تحولات جدید در نوع تهدید و تحولات کشورها که باعث تغییر ماهیت آسیب‌پذیری‌های آنان می‌گردد، دستخوش تغییر می‌شوند. یکی از جنبه‌های متغیر معطوف به مفهوم تهدید که از آن پدیده‌ای فرآر ساخته است، سرشت و ماهیت تهدیدات امنیتی است. پرسش اساسی این است که تهدیدات امنیتی از کدام سرشت و ماهیت برخوردارند.

دشواری پاسخ به این پرسش از آنروست که جواب‌های بی‌قاعده و بی‌مبنا ممکن است از یک سو هزینه‌های امنیتی جامعه را بالا ببرد یا از سوی دیگر، موجب غافل‌گیری مدیران امنیتی در صورت دست‌کم گرفتن برخی تهدیدها شود. بر سر ماهیت یا سرشت تهدیدها، اختلاف‌نظر گسترده‌ای حاکم است. تحلیل کلی تهدیدات را باید با جنگ به معنی سنتی آن آغاز کرد که عبارت است از برخورد نظامی میان دولت‌ها (کالینز، ۱۳۶۸: ۷۰).

تهدید مخاطره‌ای مهم برای بازیگران سیاسی است که شناخت موضوعات مرتبط با آن نقش مهمی در اداره حکومت دارد. برای این شناخت لازم است چگونگی سنجش تهدید مورد توجه و بررسی قرار گیرد، در این سنجش دامنه تهدید و عمق تهدید قابل ارزیابی است. هر چه دامنه تهدید بیشتر باشد اهمیت آن بیشتر خواهد بود و هر چه عمق تهدید به سمت منافع حیاتی نزدیک‌تر شود، اهمیت آن هم بیشتر خواهد شد. تشخیص منافع کشور (اعم از اینکه جزء منافع حیاتی، مهم یا حاشیه‌ای باشد)، نقش مهمی در چگونگی مقابله با تهدید دارد. (افتخاری، ۱۳۸۶: ۲۷).

رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) نیز درباره تهدیدات و دشمن‌شناسی می‌فرماید: «هر کسی که با حاکمیت نظام مستقل مردمی دینی مخالف است، دشمن است. طمع‌ورزان، سودجویان، زراندوزان، زورگویان، وابستگان، مایلین به فساد و کسانی که از حاکمیت فرهنگ دینی زیان شخصی می‌بینند، دشمن‌اند. البته در رأس این‌ها، دشمنان خارجی هستند که بیش از همه ضرر دیده‌اند، آمریکا بیش از همه از تشکیل حکومت اسلامی خسارت دید و هنوز هم دارد می‌بیند، آن‌ها جلوتر از همه‌اند، صهیونیست‌ها هم همین‌طور، کمپانی‌های بزرگ جهانی همین‌طور، کیسه دوخته‌های برای ثروت ملی همین‌طور، همه این‌ها دشمن‌اند»^۱.

«دشمن را خوب بشناسید، مبادا از شناسایی دشمن غفلت کنید، غریبه‌هایی که خود را در لباس خودی در همه‌جا داخل می‌کنند، این‌ها را بشناسید، دست‌های پنهان را ببینید»^۲.

«ادامه صفوف دشمن را در داخل کشور بشناسید، روش‌های دشمن را بشناسید، تبدیل شده و ترجمه شده آن روش‌ها در داخل کشور را هم بشناسید، در داخل دانشگاه، در داخل دبیرستان، در متن جامعه، در فعالیت کشور، در مطبوعات و تبلیغات، ادامه حضور استکبار را بشناسید»^۳.

ابهام در مرزبندی میان سطح تهدید، شدت و نوع آن همواره یکی از موارد اختلاف برانگیز در رأس

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مردم قم، ۱۳۷۹/۱۰/۱۹

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان و مردم، ۱۳۷۸/۴/۱

۳. بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت روز مبارزه با استکبار جهانی، ۱۳۷۵/۸/۹

————— ♦ برآورد تهدیدات سیاسی با رویکرد کنترل و مهار و نقش آن در ارتقای امنیت ملی ♦ ۱۲۲

هیأت حاکم کشورها است. این موضوع اگرچه در همه مسائل سیاسی امری بدیهی و مهم است، با این حال برداشت‌های متفاوت از سمت و سوی تهدید و توهم پنداری تهدیدات یا برعکس وجود دارد، تأکید بیش از حد بر روی آن می‌تواند امنیت ملی هر کشوری را با خطر مواجه سازد. علت این امر را می‌توان در تصمیم‌گیری رهبران در برخورد با یک موضوع و به‌کارگیری منابع و بسیج امکانات دانست. ممکن است موضوعی ارزش این چنین اقدامی را نداشته باشد یا برعکس، بی‌توجهی به آن خطری جدی برای امنیت ملی فراهم سازد. از این‌رو تعیین مرز میان تهدیدات و آسیب‌پذیری‌ها با برداشت صحیح و منطقی از شرایط حاکم بر کشور و توجه به محیط ملی و فراملی می‌تواند در کنار وجود مدیران لایق و توانمند، سمت و سوی تهدیدات و آسیب‌پذیری‌ها را مشخص نموده با استفاده از آن و راهکارهای مقابله را به نحوه مناسب ارائه دهد (اشنایدر، ۱۳۸۵: ۲۲ - ۱۹).

برآورد تهدید: برآورد از حیث لغوی به معنای «تخمین» است و «برآورد کردن» فرآیند «تخمین زدن» چیزی را شامل می‌شود. اگرچه معنای اصطلاحی «برآورد کردن» متناسب با معنای لغوی آن است، اما به مراتب پیچیده‌تر و دارای ابعاد معنایی- راهبردی متعددی هست که لازمه درک آن بررسی معنای اصطلاحی «برآورد تهدید» در ذیل عنوان کلان‌تر «راهبرد تهدید» است. منظور از «برآورد تهدید» مجموع اقداماتی است که یک بازیگر در مواجهه با تهدید طراحی و به اجرا می‌گذارد. این فعالیت‌ها عبارتند از:

شناسایی تهدید، تحلیل تهدید، سنجش تهدید، طراحی (الگوی مناسب برای مواجهه با تهدید)، اجرای سیاست‌های ناشی از مرحله چهارم، کنترل (پیامدها) (افتخاری، ۱۳۹۰: ۳۲). که با هدف تشخیص قابلیت‌ها، محدودیت‌ها و آسیب‌پذیری‌ها، نیات (راه‌کارها) و محتمل‌ترین راه‌کارهای عوامل تهدیدگر صورت می‌گیرد. اصولاً برآورد فرایندی است که دائماً در حال تغییر بوده و اطلاعات باید بر اساس آخرین داده‌ها و اطلاعات به دست آمده بازنگری و به روز شود (صنّعی، ۱۳۹۰: ۷۸).

برآورد کردن فرایندی است که طی آن ابعاد مختلف یک پدیده مورد گمانه‌زنی قرار گرفته تا از این طریق تصویری کلان از آن نزد بازیگر حاصل آید. با این تعریف برآورد، بخشی از یک فعالیت کلان‌تر به نام سنجش هست، چراکه در سنجش ابعاد و مؤلفه‌های برآورد شده، موضوع اندازه‌گیری واقع می‌شود. به‌منظور درک جامع و بهتر برآورد تهدید می‌توان آن را در بطن فرمول کلان راهبرد تهدید قرار داده و معنا کرد (افتخاری، ۱۳۹۰: ۳۱).

تعریف منتخب محقق از برآورد تهدید عبارت است از: فرآیندی که یک بازیگر قبل از مواجهه با خطر و تهدید پیش‌بینی، طراحی و در مواقع ضروری به مورد اجرا می‌گذارد تا از آسیب‌ها و خسارات ناشی از محفوظ و مصون بماند.

امنیت ملی: امنیت ملی به معنی مقابله مداوم با تهدیدات خارجی، تلاش مصرانه برای حفظ امنیت و تعقیب همیشگی کاهش آسیب‌پذیری و افزایش بیش‌تر امنیت است. (مرادیان، ۱۳۸۵: ۱۷)

مبانی نظری:

مراحل برآورد:

۱. شناسایی: «شناسایی» فرآیند دست‌یابی، تحلیل و معنا بخشی «اطلاعات» را شامل می‌شود که از حیث ماهیت بر دو رکن اصلی دانستن و رسمیت بخشیدن استوار است. این دو رکن، «شناسایی» را از یک «اطلاع عمومی و ساده» متمایز می‌سازد.
۲. دانستن: دانستن، اطلاع یافتن از تکوین تهدید را شامل می‌شود که بر اساس آن بازیگر نسبت به آنچه پیرامونش می‌گذرد «اطلاع» حاصل می‌نماید. «دانستن» نقطه مقابل دو وضعیت منفی جهل و غفلت در بحث تهدیدشناسی است. دانسته‌ها باید از سه صافی زیر عبور نموده و در نهایت «تهدیدآمیز بودن» آن‌ها تأیید گردد و در آن صورت، مرحله «شناسایی» با اطلاق عنوان رسمی «تهدید» بر آن پدیده، به انجام می‌رسد:
اول: ارزیابی اطلاعات به منظور جداسازی اطلاعات نادرست،
دوم: دسته‌بندی اطلاعات به منظور آسان‌سازی کاربری و درک معنای آن‌ها
و سوم: تحلیل اطلاعات برای نفوذ به درون آن‌ها و کشف معانی واقعی‌شان.
بنابراین شناخت باعث می‌شود تا عواملی که عدم تعادل سیستم به وجود می‌آورند شناسایی شوند
۳. تحلیل (تعیین حجم تهدید): تحلیل، لایه میانی هرم مواجهه با تهدید را شکل می‌دهد و موضوع آن «شناخت کلی» ابعاد و وجوه «تهدید» است. بدین معنا که بازیگر باید تلاش نماید تا «موضوع شناسایی» را از حالت کلی خارج نموده و تصویری هرچه جامع‌تر از آن عرضه بدارد؛ این تصویر موضوع اقدام بعدی است که از آن به «سنجش تهدید» یاد می‌شود. با توضیح بالا مشخص می‌شود که در مرحله «تحلیل»، تهدید از حالت تک‌بعدی خارج می‌گردد و مرزهای مختلف آن در افق مادی و معنوی (در محیط خارجی و داخلی) ترسیم می‌شود و بدین ترتیب تهدید اصطلاحاً، «حجم» می‌یابد. به همین دلیل است که «سنجش» دقیق‌تر «تهدید» را می‌توان منوط به «برآورد کامل‌تر» آن دانست؛ چراکه هر بعد و سطحی از تهدید که

برآورد تهدیدات سیاسی با رویکرد کنترل و مهار و نقش آن در ارتقای امنیت ملی ۱۲۴۵

در این مرحله مورد توجه قرار گیرد، در اقدام بعدی «موضوع سنجش» نیز خواهد بود. لذا می‌توان تحلیل را به‌طور خلاصه فرآیند شناخت «حجم تهدید» تعریف نمود که (حداقل) هشت بعد زیر را شامل می‌شود:

حجم ساختاری (شناسایی و تجزیه و تحلیل شبکه ارتباطات تهدید)، حجم تاریخی (از طریق پیوند زدن بین «تهدید» در زمان حال با تحولات تاریخی در گذشته)، حجم هنجاری (تأثیر هنجارها بر عمق و گسترده تهدیدات)، حجم زمانی (بررسی ارتباط تهدید «حال» با ظرف زمانی آینده تا زمان وقوع آن در آینده قابل حدس زدن باشد)، حجم قدرت (از حیث منابع نرم‌افزاری و سخت‌افزاری در سطح داخلی و خارجی و قدرت درونی و بیرونی با هدف توسعه دامنه تهدیدشناسی و اضافه شدن بعدی تازه و مهم در برآورد تهدید)، حجم رفتاری (تعیین حجم رفتاری و ضوابط و قواعد تهدید و توجه به نوع رفتار تهدید در مقام پیدایش و عمل ناظر بر رفتار «تهدید کننده» در مقام تعریف و طراحی تهدید، و هم رفتار «تهدید شونده»، حجم آثار و پیامدها (بررسی آثار تهدید در کوتاه و بلندمدت از نظر زمان و گستره مکانی)، حجم تعداد بازیگران (از طریق شناسایی تعداد نفرات شرکت کننده در تهدید)

۴. سنجش تهدید: برای این که «سنجش» بتواند واقعی باشد و نتیجه آن در سیاست‌گذاری امنیتی به کار گرفته شود، لازم است تا دو فعالیت به‌صورت کارشناسانه در خصوص تهدید انجام شود.

۱) تجزیه تهدید و سنجش موردی ابعاد تهدید: در این مرحله هر یک از ابعاد هشت‌گانه تهدید، به‌صورت جداگانه به بررسی گذارده می‌شود.

۲) ترکیب تهدید و سنجش کلیت حجم تهدید: در این مرحله نتیجه ارزیابی‌های موردی در قالبی ترکیبی به بحث گذارده شده و بر اساس اولویت‌بندی به عمل آمده، میزان تأثیرگذاری تهدید محاسبه می‌گردد (اسماعیلی، ۱۳۹۱: ۵).

۵. طراحی و اجرا: مرحله طراحی و اجرا نیز مرحله‌ای مهم از راهبرد مدیریت تهدید را شامل می‌شود که بر اساس آن می‌توان واقعی بودن یا غیر واقعی بودن تهدید را سنجد. طرح‌هایی که از منابع قدرت لازم (اعم از سخت‌افزاری یا نرم‌افزاری) برای اجرایی شدن برخوردار نیستند، طرح‌هایی آرمانی و یا کاذب ارزیابی می‌شوند که در صورت آگاهی رقیب از این وضعیت به وخامت موقعیت بازیگر تهدید شونده کمک مؤثری می‌نماید، اما اگر امکان سخت‌افزاری و نرم‌افزاری لازم وجود داشته باشد و جدیت بازیگر در اجرای طرح معلوم

شده باشد، در آن صورت طرح واقعی ارزیابی شده و می‌تواند به نسبت اهدافی که دنبال می‌نماید، تأثیرات روان‌شناختی و عملیاتی بگذارد (افتخاری، ۱۳۹۰: ۴۵).

۶. کنترل و نظارت: در این مرحله آثار و نتایج حاصل از اقدامات مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد و در صورت محقق نشدن اهداف و برنامه‌ها، اقدامات اصلاحی صورت می‌گیرد.

کنترل و مهار: از نظر لغوی، کنترل معانی متعددی دارد: بعضی از آن‌ها عبارتند از: نظارت کردن، تنظیم کردن، بازرسی، بازمینی، مقایسه کردن و محدود کردن (زارعی متین، ۱۳۸۰: ۲۵۵). کنترل عبارت است از: فعالیتی منظم که ضمن آن نتایج مورد انتظار در قالب استانداردهای انجام عملیات تعیین می‌شوند، سیستم دریافت اطلاعات طراحی می‌گردد، عملیات پیش‌بینی شده و انجام شده با هم مقایسه می‌گردند، اختلاف‌های و انحراف‌های مشاهده‌شده ارزیابی و میزان اهمیت آن‌ها مشخص می‌شوند، و سرانجام، اصلاحات لازم برای تحقق هدف‌ها و مأموریت‌های سازمان انجام می‌گیرند (الوانی، ۱۳۸۸: ۱۲۰).

کنترل را می‌توان فرآیند بازمینی فعالیت‌ها برای کسب اطمینان از انجام فعالیت‌ها بر طبق برنامه دانست، این فرآیند شامل اصلاح کردن هر کاستی چشم‌گیر و انحرافی نیز می‌شود. همه مدیران باید درگیر کارکرد کنترل باشند حتی اگر کار در واحدهایشان طبق برنامه پیش رود و مهار زمانی صورت می‌گیرد واحدها از مسیر تعیین‌شده انحراف و زاویه پیدا می‌کنند.

تهدیدات سیاسی: هر پدیده قبل از این که در فضای خارجی هویتی عینی پیدا کند، دارای هویتی اجتماعی در درون ساختار جامعه است که از آن به دوره تکوینی یاد می‌شود، که هر کسی قادر به درک و فهم جداگانه‌ای از آن خواهد بود، به طوری که عقل قوی به شناخت دقیق آن می‌انجامد و عقل ضعیف درک کمتری از آن پدیده خواهد داشت. بنابراین توجه به پدیده‌های اجتماعی در تحلیل‌های امنیتی حائز اهمیت است چراکه قبل از ظهور تهدید عینی، از دوره تکوینی و شکل‌گیری آن‌ها سخن می‌گوید و راه را برای طراحی و اجرای مدیریت پیشگیرانه هموار می‌کند.

پدیده اجتماعی عبارت است از هدایت غیرمنسجم و یا غیر متصلب موضوعات سیاسی، اجتماعی که به منصفه ظهور عینی نرسیده‌اند و تابع ویژگی‌های زیر هستند:

- ۱- تکاملی هستند و در بستر زمان به صورت تدریجی شکل می‌گیرد.
- ۲- بازتابی هستند و متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی معنا و مفهوم پیدا می‌کنند.
- ۳- مجازی هستند، یعنی این‌که از نقش مؤثر عناصر احساسی و نامحسوس در شکل‌گیری آن‌ها حکایت دارد.

— برآورد تهدیدات سیاسی با رویکرد کنترل و مهار و نقش آن در ارتقای امنیت ملی ۱۲۶۰

۴- جمعی هستند و در ارتباط گسترده سایبرنتیک محیط و فرد پدید می‌آیند.

با توجه به این که تهدیدات در مرحله تکوین تصویری نامحسوس و پیچیده دارند دستیابی به عوامل تأثیرگذار در این مرحله غیرممکن هست. ضمن این که توجه به عامل زمان در شناسایی دقیق تهدیدات و لایه‌های مبهم و پنهان آن نقش مؤثر دارد.

در مقام ارزیابی تهدیدات، باید به این سؤال پاسخ داد که آیا اگر تهدید عملی شود پیامدهای جدی به دنبال خواهد داشت؟ برآورد تهدید به این سبک، از مسائل اساسی امنیتی است. ارزیابی دقیق خطر یا احتمال بروز آن نیازمند توانایی کافی برای پیش‌بینی است که فعلاً در روابط بین‌الملل، این توانایی وجود ندارد. آمادگی جهانی برای جنگ شدید و کوتاه در سال ۱۹۱۴، ارزیابی بریتانیا و فرانسه از خطر هیتلر پیش از سال ۱۹۳۹، نحوه رفتار آمریکا در جنگ ویتنام و تلاش عراق برای کسب پیروزی سریع علیه ایران در سال ۱۳۵۹؛ همگی گویای ضعف در قدرت پیش‌بینی و فقدان پیشرفت در بهبود این مسئله است. حتی اگر پیش‌بینی مقدر باشد، ارزیابی تهدید بسیار دشوار است (پژوهشکده مطالعاتی راهبردی، ۱۳۸۱: ۱۶۳-۱۵۸). بنابراین با توجه به دشواری‌های برآورد تهدیدات برخی از عوامل دیگر همچون؛ بی‌توجهی به نقش و زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی داخلی، محرومیت‌های مادی، شرایط نامطلوب زندگی، به حاشیه‌رانی‌های قانونی و غیرقانونی، مسدود بودن مجاری قانونی حل و فصل اختلافات که نقش انفعالی و غیرملموس اقوام را در کل کشور به نقشی فعال، ملموس، گریزناپذیر و مخالف مبدل می‌سازد، نطفه توطئه تهدید سیاسی را در بطن خود می‌پروراند و انسجام اجتماعی را با چالشی جدی مواجه می‌نماید و در ادامه زمینه را برای بروز تهدیدات در بعد سیاسی به‌صورت زیر فراهم می‌آورد (گروه مطالعاتی امنیت، ۱۳۸۷: ۲۱۲):

- بی‌ثباتی سیاسی - کاهش یا فقدان مشروعیت - کاهش یا فقدان مشارکت - نرخ بالای رفتارهای خشونت‌آمیز - فقدان یا ضعف انسجام سیاسی و ملی - کاهش نفوذ حاکمیت - کاهش یا فقدان توزیع مناسب - کمبود توان سیاست‌سازی - فقدان یا کاهش تأثیرات بین‌المللی

- افزایش سطح کاربرد روش‌های سخت و فراقانونی در تأمین نظم و امنیت

با توجه به موارد بالا، تهدیدات و بحران‌های سیاسی را برحسب وسعت مکانی عوامل درگیر و پهنه جغرافیایی تعارضات، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱- تهدیدات و بحران‌های سیاسی داخلی (ملی)

۲- تهدیدات و بحران‌های سیاسی بین‌المللی (فراملی).

الف- تهدیدات و بحران‌های سیاسی در سطح داخلی(ملی)

این سطح از تهدید بر فرهنگ ملی تأثیرگذار است و دشمن به دنبال سلب اراده و انگیزه مردم و بی‌تفاوت نمودن آنان در همراهی رهبران کشور و تبدیل آنان به جمعیت‌های معارض، مخالف و بی‌تفاوت و شکل دادن به نافرمانی‌های مدنی و ایجاد شکاف بین دو سطح راهبردی و ملی است. تهدید در این سطح می‌تواند بر میزان حمایت مردم از سیاست‌های نظام، مسئولان و نیروهای مسلح مؤثر باشد(سایت ولایت، ۱۳۹۱: ۱).

تهدید سیاسی در سطح ملی در حوزه‌های زیر ممکن است صورت گیرد:

ثبات و بی‌ثباتی سیاسی: نظام سیاسی و حکومتی زمانی می‌تواند پایدار باشد که با شورش‌ها، بحران‌های سخت و خشونت‌بار روبرو نباشد، از این رو «ثبات» یا پایداری همواره یکی از اهداف مهم حاکمان سیاسی بوده و هست، تا به دور از هرگونه تهدید در کمال اقتدار به اهداف خود نائل آیند. تحقق چنین وضعیتی تا حدی مستلزم یگانگی فکری و عقیدتی میان نخبگان سیاسی و رهبران نظام هست. وقوع درگیری‌های قومیتی، ترورهای سیاسی، تبلیغات سوء در جهت مخدوش کردن چهره نظام و به راه انداختن جنگ از جمله مواردی است که روند ثبات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... کشور را مختل می‌نماید(افتخاری، ۱۳۷۹: ۶۳).

در ادبیات سیاسی غرب، ثبات سیاسی در دو سطح مطرح شده است. سطح اول روابط بین‌الملل است که در این حوزه از ثبات سیاسی با مدنظر قرار گرفتن مسائل و واقعیات روابط بین‌الملل، راه‌های حفظ ثبات سیاسی نظام بین‌الملل بررسی می‌گردد. سطح دوم، حوزه مسائل داخلی است که در آن با رویکردهای متفاوت به نظام سیاسی و با بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری متنوع درباره ثبات سیاسی یک نظام سیاسی، شامل شناخت عناصر بی‌ثبات‌ساز و باثبات‌ساز، راه‌های باثبات‌سازی نظام مزبور بررسی می‌شود. جالب این‌که، عمده صاحب‌نظرانی که در این حوزه سخن گفته‌اند، تلاش کرده‌اند با مدنظر قرار دادن بی‌ثباتی سیاسی، راه‌های دستیابی به ثبات سیاسی را بیابند (ساندرز، ۱۳۸۰: ۵۲).

ثبات هر جامعه سیاسی به رابطه سطح مشارکت سیاسی با سطح نهادمندی سیاسی آن جامعه بستگی دارد. میزان نهادینگی سیاسی در جامعه‌ای با سطح پایین مشارکت سیاسی، به مراتب پایین‌تر از جوامعی است که از سطح مشارکت بالاتری برخوردارند. درکل ثبات سیاسی، انسجام ملی و امنیت ملی تا حدود زیاد به سطح نهادینگی و مشارکت سیاسی شهروندان بستگی دارد. ناکامی اجتماعی منجر به مشارکت سیاسی و مشارکت سیاسی در صورت فقدان نهادها و احزاب قدرتمند در جامعه،

————— ♦ برآورد تهدیدات سیاسی با رویکرد کنترل و مهار و نقش آن در ارتقای امنیت ملی ♦ ۱۲۸۵

باعث بی‌ثباتی سیاسی و به تهدید امنیت ملی منجر می‌گردد. در جوامعی که سطح نهادینگی سیاسی نسبت به مشارکت سیاسی بالاتر شد، این‌گونه جوامع در مقابل بحران‌های سیاسی مقاوم‌تر خواهند بود بنابراین نهادهای سیاسی می‌توانند تا حدود بسیار زیادی از بی‌ثباتی سیاسی و بحران امنیت ملی جلوگیری نمایند در عین حال در صورت ضدیت با نظام می‌تواند به وسعت و گسترش آن دامن بزند (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۱۱۹).

بنابراین بی‌ثباتی سیاسی دارای مظاهری به شرح زیر هست :

۱- تجزیه‌طلبی از طریق فعال کردن اقوام و قومیت‌های مختلف:

شکاف‌های قومی، شکاف‌های مذهبی، شکاف‌های طبقاتی منجر به شکل‌گیری علی‌القیاس، مقاصد و منافع متفاوت در میان یک سرزمین و جمعیت واحد خواهد گردید و در نتیجه منافع محلی جای خود را به منافع ملی خواهد داد. این نشانه از درخواست‌های تجزیه‌طلبانه در مقالات، اعلامیه‌ها و... آغاز می‌گردد و تا اقدامات عملی مانند طراحی تجزیه‌طلبی و حتی تا اعلام جدایی و تجزیه یک منطقه ادامه می‌یابد. رشد چنین ارزش‌ها و منافع و همچنین تعمیق شکاف‌ها و تبدیل آن به شکاف‌های متراکم و متضاد، منجر به شکل‌گیری حرکت‌ها و جریان‌های تجزیه‌طلبانه، خودمختار و یا آشوب‌ها و شورش‌های محلی، فرقه‌ای، قومی و مذهبی خواهد ساخت (آذر موم، ۱۳۷۷: ۱۲).

۲- دگرگونی در ارزش‌ها و آرمان‌های اساسی: اگر در ارزش‌ها و آرمان‌های بنیادین یک رژیم سیاسی تغییرات اساسی صورت گیرد تغییراتی هم در آن رژیم به وجود می‌آید. زیرا هویت یک رژیم ناشی از ارزش‌های آن رژیم هست. انقلاب بالاترین نشانه بی‌ثباتی از طریق تغییرات ارزشی و تحول در رژیم و تحول در رژیم سیاسی هست.

۳- تغییرات در بخش‌های اصلی سازمان حکومت: تغییرات رویدادهای بی‌ثبات کننده چند دسته‌اند: دسته اول، واکنش مردم به عملکرد حاکمیت که به صورت اعتراض، اغتشاش و نافرمانی مدنی بروز می‌کند. در صورت برطرف شدن سوء عملکردها، رویدادهای بی‌ثبات کننده رفع و یا تعدیل می‌گردند.

دسته دوم، رویدادهای بی‌ثبات کننده تغییر رفتار، ارزش‌ها و هویت جامعه را به همراه دارد. این دسته با ابزارها و تکنولوژی‌های نوین که به صورت خاموش افکار و ارزش‌های مردم را مورد تهاجم قرار داده است، در مقابل ارزش‌ها و رفتار حکومت ایستادگی می‌کند. این شیوه خطرناک و زمینه‌فروپاشی ساختاری رژیم حاکم را فراهم می‌کند.

دسته سوم، رویدادهای بی‌ثبات کننده که تغییر ساختاری حاکمیت را ایجاد می‌کند. این دسته

به صورت کودتا و تحریکات براندازانه می‌باشد که سخت‌افزاری و همراه با عملیات نظامی و خونریزی است (زندى، ۱۳۸۸: ۳-۴).

فعال‌سازی احزاب و گروه‌های سیاسی: حزب عبارت است از گروهی سازمان‌یافته که برای کسب قدرت سیاسی و تحقق اهداف مادی و غیرمادی خود مبارزه می‌کنند که معمولاً با توجه نظام حکومتی حاکم بر کشور دارای تقسیم‌بندی‌هایی هستند و بر اساس آن شالوده نظام حکومتی را تشکیل می‌دهند این احزاب غالباً به‌عنوان احزاب یگانه، احزاب دوگانه و احزاب چندگانه مشخص شده‌اند. ملاک‌های اساسی برای تشکیل احزاب سیاسی موارد زیر می‌باشد:

- ظهور احزاب، وابسته به انواع بحران‌ها همانند بحران مشروعیت یا انسجام ملی و یا مشارکت و...

- بستر انتخاباتی برای جذب رأی‌دهندگان

- شکاف‌های اجتماعی و....

احزاب سیاسی با گردآوردن منافع مستقل گروه‌های ذی‌نفع در خصوص افزایش و یا کاهش تضادهای موجود تلاش می‌کنند. به‌موازات گردآوردن گروه‌های ذی‌نفع سعی می‌کنند تا تشکل‌هایی که تا پیش از این کنار گذاشته شده بودند را وارد نظام سیاسی کنند و با آموزش به اعضاء درباره نحوه مشارکت در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مردم را تشویق به رأی دادن به کاندیدای موردنظر خود نمایند و در مواقع خاص زمانی برای تحقق خواسته خود با ورود به صحنه نظام حاکم را به چالش بکشانند (رضایی، ۱۳۸۶: ۱۳۹).

جناح‌بندی در نیروهای سیاسی نظام: منظور از جناح‌بندی این است که درباره مسائل اساسی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اختلاف‌نظرهایی در حاکمیت وجود دارد که در طول زمان باعث شده دیدگاه‌های نزدیک به هم حول یک محور گرد آیند.

در جمهوری اسلامی ایران مفهوم جناح‌بندی گاه مفهوم تفرقه، فساد، اختلاف، فرصت‌طلبی و... و گاه به مفهوم آزادی، همزیستی، کثرت و... آمده است. به‌طور کلی در ایران هر دو مفهوم به‌نوعی صدق می‌کند. تأثیر درازمدت جناح‌بندی بر حوزه سیاسی دوگانه است: از یک‌سو می‌تواند موجب ضعف نظام شود و از سوی دیگر می‌تواند تأثیر مثبت بر اوضاع بگذارد. به‌عنوان مثال بین میزان جناح‌بندی و مشروعیت رابطه مستقیم دیده می‌شود، یعنی جناح‌بندی می‌تواند مشروعیت حکومت را افزایش دهد، یا از آن بکاهد. اگر هدف استراتژیک جناح‌ها، حذف یکدیگر باشد این امر می‌تواند موجب تضعیف مشروعیت نظام شود. اگر جناح‌بندی غیرنظامی باشد می‌تواند مشروعیت

برآورد تهدیدات سیاسی با رویکرد کنترل و مهار و نقش آن در ارتقای امنیت ملی ۱۳۰۵

نظام را تقویت نماید. یعنی اگر در جریان جناح‌بندی حذفی یکی از جناح‌ها از بین برود در نتیجه یک بخش از پایگاه اجتماعی نظام از بین می‌رود و مشروعیت نظام پایین می‌آید و برعکس (کنعانی مقدم، ۱۳۸۹: ۲۹۶-۲۹۸). بنابراین با توجه به کارکردهای مطرح‌شده، جناح‌ها در برهه‌های خاصی از زمان می‌توانند عاملی برای دامن زدن به تهدیدات سیاسی باشند.

تضعیف توان سیاسی: توان سیاسی شامل طراحی، تنظیم و اجرای «سیاست‌های امنیت ملی» است و علاوه بر آن ارزیابی تهدید، تصمیم‌گیری‌ها، اجرای سیاست‌ها، بسیج و تخصیص منابع در آن جای می‌گیرد. هر اندازه وحدت نظر در خصوص اهداف و روش‌های اجرایی امنیت بیشتر باشد توان سیاسی از این حیث افزایش می‌یابد. تصمیمات جامع و سریع به تصمیم‌گیری‌هایی گفته می‌شود که فارغ از امتیازات سیاسی و یا منافع شخصی باشد. لذا هر قدر تصمیمات متخذه بیشتر متکی بر معدل افکار عمومی، اجماع نخبگان باشد، توان سیاسی نیز افزایش می‌یابد (آذرمن، ۱۳۷۷: ۱۴۴-۱۱۵). نتیجه آنکه تضعیف توان سیاسی در محورها و اجزای مختلف آن می‌تواند ظرفیت سیاسی کشور را کاهش دهد. بنابراین یکی از محورهای اصلی تهدیدات دشمن نیز می‌تواند همین محور باشد. بدیهی است بخش عمده‌ای از این تهدیدات از ناحیه جریان‌سازی، عملیات روانی و نفوذ دادن عناصر حریف در سازمان‌ها و مراکز خودی هست.

فقدان یا ضعف انسجام ملی و سیاسی: انسجام دسترسی به اهداف و یکپارچگی حاکمیت را افزایش می‌دهد و از هدر رفتن منابع جلوگیری می‌کند. در حالی که عدم انسجام یا ضعف آن با تشدید تعارضات عملاً کارکردهای حاکمیت را مختل می‌کند (همان: ۲۲۳).

فقدان یا ضعف انسجام باعث به وجود آمدن موارد زیر خواهد بود:

- بالا رفتن نرخ تعارض مدیران در حوزه تصمیم‌گیری
- فقدان یا ضعف مکانیزم‌های حل تعارض قانونی و از پیش تعیین شده
- وجود و تشدید تعارض بین نخبگان غیررسمی (تعارضات به ضعف حاکمیت منتهی می‌گردد).
- بالا بودن نرخ قوانین و رویه‌های متعارض (به‌عنوان مثال رویه‌های مختلف در برخورد با یک جرم انسجام را در جامعه بر هم می‌زند).

- وجود یا افزایش اقدامات محرک رشد تمایز و تعارضات. (اگر حوزه تمایزات توسعه یابد حجم اشتراکات را کاهش دهد یا عمل تمایزات تشدید گردد و تمایز به تعارض نزدیک یا تبدیل شود، حاکمیت و قدرت سیاسی در معرض تهدید قرار می‌گیرد).

- تعارض بین جامعه سیاسی و نخبگان رسمی (حکومت).

کمبود توان سیاست سازی: سیاست سازی فرایندی است که در آن مشکلات و نیازهای جامعه مفروض شناسایی می‌گردد و با انتخاب کمترین هزینه، مناسب‌ترین راه‌حل‌ها برای رفع مشکلات و نیازها گزینش می‌شود. این شاخص به شدت بر شاخص‌هایی همچون مشروعیت و نفوذ تأثیر دارد و مصادیق آن:

۱- پراکندگی و سازمان نیافتگی مشکلات و مسائل

۲- حل نشدن یا مزمن شدن مسائل اساسی (گروه مطالعاتی امنیت، ۱۳۸۷: ۲۱۸-۲۲۹)

افزایش کاربرد روش‌های سخت و فراقانونی در تأمین نظم و امنیت: استفاده از روش‌های سخت و نرم، رفتارهای خشن و فراقانونی، قدرت سیاسی را در معرض تهدید و خطر قرار می‌دهد. مظاهر افزایش کار در روش‌های سخت عبارتند از:

۱- توسعه مجازات‌های شدید و خشن

۲- افزایش محسوس سطح کنترل‌ها و اقدامات اطلاعاتی، پلیسی و امنیتی

۳- تکرار اقدامات اضطراری و فراقانونی (همان: ۲۳۲-۲۳۴).

افزایش نرخ رفتارهای خشونت‌آمیز: رفتارها و اقدامات خشونت‌آمیز مانند کودتا، ترور و قتل سیاسی، جنگ‌های مسلحانه، شورش‌ها، و... در مقابل حکومت اثرات منفی بر جای می‌گذارد. کمیت یا کیفیت این نوع رفتارها را می‌توان با درجه خشونت آن‌ها تفسیر کرد و به هر میزان که افزایش خشونت سیاسی قابل احراز باشد، حاکمیت و قدرت سیاسی، چالش بیشتری پیدا می‌کند. مظاهر رفتارهای خشونت‌آمیز در:

۱- کودتا ۲- طرح یا اقدام براندازی ۳- شورش‌ها و آشوب‌ها ۴- ترور و قتل‌های سیاسی، انواع شرارت‌ها، گروگان‌گیری و بمب‌گذاری و حتی راهزنی با انگیزه‌های سیاسی متجلی می‌شود (گروه مطالعاتی امنیت، ۱۳۸۷: ۲۲۲). اهم این اقدامات می‌تواند با هدف ساقط کردن حکومت می‌تواند صورت پذیرد. مجموعه این موارد، قدرت نرم یک نظام سیاسی را کاهش می‌دهد و به‌طور طبیعی آن نظام را در برابر تهدید نرم آسیب‌پذیر می‌کند. بدیهی است که هیچ‌گاه تهدیدات و بحران‌های داخلی تنها از عملکرد داخلی یک کشور نیستند، بلکه بیشتر تحت تأثیر جریان‌های سیاسی -

برآورد تهدیدات سیاسی با رویکرد کنترل و مهار و نقش آن در ارتقای امنیت ملی ۱۳۲۵
اقتصادی‌اند که از دولت‌های دیگر و نظام‌های مسلط منطقه‌ای یا جهانی ریشه می‌گیرند (جمراسی
فراهانی، ۱۳۷۴: ۶۹).

ب- تهدیدات سیاسی سطح بین‌المللی (فراملی).

تهدید سیاسی در حوزه فراملی یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی است که بی‌ثباتی را از طریق ظهور و
بروز بحران‌ها در درون نظام سیاسی ایجاد می‌کند و در نهایت با کمک برخی عناصر داخلی و از
طریق هدایت فرآیندهای اجتماعی ضد نظام سیاسی حاکم به فروپاشی ساختاری از درون نظام
سیاسی منجر می‌شود. این واقعیت مطرح هست که دولت‌ها همانند سایر موجودات، دارای هویتی
مستقل هستند که می‌تواند مورد تعرض دیگر بازیگران قرار گیرد. تهدید در بُعد سیاسی متوجه
ثبات سازمانی دولت است (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۴۳) بر این اساس صیانت از دولت به مثابه یک ارزش
امنیتی مطرح می‌شود. به سخن دیگر، صیانت از دولت در برابر تعرض‌های بیرونی، بخش محوری
امنیت ملی را شکل می‌دهد (افتخاری، ۱۳۸۰: ۴۵).

اهداف بازیگران بیرونی و درونی در براندازی نرم، تغییر در خصوص سیاست‌های مشخص برای
تلاش در جهت واژگون نمودن دولت، دامن زدن به حرکت‌های جدایی‌طلبانه، تضعیف دولت و
آسیب‌پذیر نمودن آن در برابر تحرکات بیرونی و درونی هست.

تهدیدی که به هويت، موجودیت و منافع دولتی مرتبط باشد، تهدید سیاسی تلقی می‌گردد. رابرت
ماندل شش فرضیه را مطرح کرده که عبارتند از:

- ۱- هر عاملی که به کاهش انسجام سیاسی در جامعه منجر شود، تهدید سیاسی به شمار می‌آید.
 - ۲- افزایش خواسته‌های قومی، مذهبی در کشور و تمایل به خودمختاری، یک تهدید سیاسی به
شمار می‌آید.
 - ۳- تقویت جایگاه گروه‌های ذی‌نفوذ در داخل و تضعیف مرجعیت حکومت ملی در کشورهایی که
دارای ساختار دولت‌محور هستند، به بروز تهدیدات سیاسی می‌انجامد.
 - ۴- حاکمیت جهانی شدن به بروز تهدیدات سیاسی می‌انجامد.
 - ۵- عدم اصلاح نظام سیاسی متناسب با افزایش آگاهی‌های عمومی و درخواست‌های ایشان به
بروز بحران کارآمدی به‌مثابه یک تهدید سیاسی جدی منجر می‌شود.
 - ۶- تنوع فرهنگی-هنجاری در نظام بین‌المللی، منجر به ایجاد ابهام در ایده مشروعیت نظام‌های
سیاسی شده و از این ناحیه بروز بحران‌های سیاسی افزایش می‌یابد (ماندل، ۱۳۷۹: ۱۶۳).
- تهدیدات فراملی با مطامع سیاسی یا آرمانی دولت‌ها، همان تعقیب منافع ملی خارج از قلمرو عرف

است که ممکن است به صورت زیر انجام شود:

الف- اعمال نفوذ و دخالت در امور داخلی کشور مقابل

ب- تجاوز آشکار، در صورت محقق نشدن مطامع سیاسی از فعالیت‌های دیپلماتیک

ادامه دخالت‌ها در امور داخلی کشور و دامن زدن به مسائل مختلف ممکن است جامعه را با بحران سیاسی مواجه نماید. عوامل اصلی پدیدآورنده بحران عبارت‌اند از:

- ۱) سیستم بین‌المللی: منظور مجموعه‌ای متشکل از بازیگران سیاسی هست.
- ۲) بازیگران سیاسی: دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و گروه‌های سازمان یافته و تأثیرگذار در روابط بین‌الملل هستند. عملکرد این افراد به تنظیم جریان توزیع ارزش‌ها بین سیستم‌هایشان کمک می‌کند.
- ۳) رفتار بازیگران: یعنی هر بازیگر در کسب و حفظ منافع خود تلاش می‌کند و به این منظور هم ارزان‌ترین، کوتاه‌ترین و ساده‌ترین شیوه را برمی‌گزیند و هم بقا و استمرار منافع خود را در نظر می‌گیرد. توسل به جنگ و رجوع به رفتار غیرعقلایی، به معنای چشم‌پوشی از منافع ملی و امنیت کشور یا برگزیدن دشوارترین روش برای تأمین منافع ملی است.
- ۴) تغییر رفتار بازیگران: بروز هر کنش ممکن است نتیجه اتفاقی ساده یا اشتباه در محاسبات باشد، انتخاب عمل بدون پیش‌بینی عکس‌العمل‌ها، تغییر در رفتار است. پیش‌بینی عکس‌العمل‌ها برای انتخاب عمل، از ابزارهای ضروری دستیابی به منافع ملی است. بنابراین هرگونه اقدام غیرعقلایی در رفتار سیاسی بازیگران و یا تحلیل اشتباه از وضعیت ممکن است جامعه را با بحران سیاسی مواجه نماید (جمراسی فراهانی، ۱۳۷۴: ۳۷-۴۵).

تهدیدات سیاسی فراملی ناشی از رفتار تجاوزکارانه دیگر کشورهاست، عواملی چون، تهاجم نظامی، مداخله نظامی آشکار، توطئه یا دسیسه براندازی، عملیات پنهان سیاسی، استفاده از تبلیغات و نفوذ در راستای براندازی در این زمینه هستند (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۳۷). علاوه بر آن در حوزه‌های زیر ممکن است تهدیدات سیاسی صورت گیرد:

دخالت در امور داخلی کشور: اعمال نفوذ و دخالت در امور داخلی کشورها امروزه در غالب تهدید نرم انجام می‌گیرد. تهدید نرم، تلاش برنامه‌ریزی شده برای بهره‌گیری از قدرت نرم (فرهنگ، دیپلماسی، سیاست خارجی، فرایندهای علمی و ...) برای اعمال نفوذ مستقیم و غیرمستقیم در نظام باورها (سیاسی، فرهنگی و ...) یک کشور، تحمیل اراده خود بر او و ایجاد تغییر در ارکان سیاسی و اجتماعی آن با بهره‌گیری از ابزارهای عملیات روانی، رسانه‌ها، نافرمانی

————— برآورد تهدیدات سیاسی با رویکرد کنترل و مهار و نقش آن در ارتقای امنیت ملی ♦ ۱۳۴۰
مدنی، ایجاد ناامنی و ناآرامی صورت می‌گیرد.

ایجاد اختلاف میان کشورهای مسلمان: ترفند دیگر کشورهای بیگانه ایجاد اختلاف میان کشورهای مسلمان است. برای مثال بزرگ‌نمائی تهدید نظامی ایران برای کشورهای منطقه، برای رودرو قرار دادن ایران با این کشورها است.

اعمال مجازات‌های خصمانه و تحریم‌های همه‌جانبه با هدف فروپاشی یا تغییر در رفتار نظام سیاسی: به‌عنوان می‌توان به اقدامات آمریکا در مورد ایران اشاره کرد. یکی از اهداف تحریم‌های ایالات متحده و متحدانش در مقابله با ایران تغییر رفتار و جنگ اقتصادی است. در این راستا دلایلی چون: وادار کردن ایران به کنار گذاشتن سیاست‌های ناخوشایند در برابر آمریکا، مجازات ایران برای اتخاذ سیاست‌های غیرقابل قبول، ابراز مراتب مخالفت نمادین با ایران به‌منظور جلب نظر گروه‌های طرفدار اسرائیل به عمده دلایل اتخاذ و اعمال تحریم از سوی آمریکا و متحدانش، علیه جمهوری اسلامی واقع شده است (هرسنی، ۱۳۹۰: ۲۵).

تفرقه افکنی با هدف ایجاد اختلاف و درگیری میان شیعه و سنی: یکی از راهکارها در حوزه فراملی بهره‌برداری از وجود تنوع قومی و قبیله‌ای در کشورهای مسلمان برای دامن زدن به اختلافات فرقه‌ای و مذهبی، با استفاده از جنگ روانی در فضای مجازی و رسانه‌ای است. در این روش با تشدید اختلافات فرقه‌ای، زمینه‌های همگرایی جهان اسلام، به عواملی برای تفرقه و جدایی تبدیل می‌گردد. که نمونه بارز آن وجود درگیری‌های قومی و مذهبی (شیعه و سنی) در کشورهای مسلمان همچون افغانستان، عراق و پاکستان است که تا در ایجاد شکاف میان کشورهای اسلامی تأثیرگذار بوده است. یا طرح موضوع ساختگی و بی‌اساس " هلال شیعی " برای دامن زدن به اختلاف‌های کشورهای اسلامی در همین راستا هست. در حالی که همه مسلمانان جهان، در اصول با یکدیگر اشتراک عقیده داشته و به خدای واحد، پیامبر واحد، کتاب واحد و قبله واحد اعتقاد دارند (پاک آیین، ۱۳۸۹: ۲).

دامن زدن به اختلافات و مناقشات مرزی بین دو کشور: دامن زدن به اختلافات مرزی بین کشورهای اسلام، از طریق جنگ نرم برای افزایش زمینه‌های اختلاف بین کشورهای اسلامی نیز در همین چارچوب قابل طرح است. مصداق بارز آن طرح ادعاهای واهی مسئولین امارات در خصوص جزایر سه‌گانه ایران است که هر بار به تحریک دیگر کشورها مطرح می‌گردد.
حمایت از احزاب و گروه‌های سیاسی مخالف برای ضربه زدن به نظام: دشمنان اسلام و انقلاب

اسلامی ایران از ابتدای شکل‌گیری نظام دینی در این سرزمین، قسم یاد کرده‌اند به هر طریق ممکن ریشه نظام را بخشکاند و با شگردهای گوناگون جهت نیل به اهداف خود دست به اقدامات بسیار پیچیده و خطرناکی زده‌اند که یکی از آن شگردهای مبارزاتی تشکیل احزاب متعدد قومی-مذهبی برای دامن زدن به اختلافات، تقویت حس ناسیونالیستی اقوام و تجزیه‌طلبی به بهانه تشکیل کشور مستقل بر اساس زبان واحد هست. از جمله این احزاب گروهک منافقین، گروهک پژاک، گروه‌های سلطنت‌طلب و گروه‌های چپی می‌باشند که در حال حاضر با حمایت رژیم صهیونیستی، آمریکا و برخی کشورهای اروپایی ضمن جمع‌آوری اطلاعات، برای انجام عملیات‌های تروریستی و خرابکارانه در ایران فعالیت می‌کنند.

نخبه پروری با رویکرد نفوذ در داخل نظام: حمایت و پرورش نخبگان سیاسی همچون نویسندگان، شعرا و هنرمندان، با هدف استفاده از آن‌ها به‌عنوان عناصر نفوذی برای تأثیرگذاری بر اندیشه‌ها و ایجاد اختلاف صورت می‌گیرد. این قبیل نخبگان نفوذی، نخست از طریق رسانه‌ها در قالب برگزاری مصاحبه و مناظره به‌عنوان چهره‌های اندیشمند و محبوب معرفی شده و سپس افکار و اندیشه‌های خاص آنان در جهت اهداف غرب در میان مردم اشاعه می‌یابد. در مقاطعی برای مقاصد خاص، به این افراد جوایز مطرح در عرصه اندیشه و هنر، نظیر نوبل و اسکار هم داده می‌شود. قدرت‌های بزرگ با اشاعه تفکرات این افراد از طریق شبکه‌های ارتباطی کوشش می‌کنند تا اندیشه‌ها و آداب خود را در دیگر جوامع نیز رواج داده و فرهنگ ملل مسلمان و به‌طور خاص موضوع وحدت اسلامی را متأثر نمایند.

کاهش تأثیرات بین‌المللی: قدرت سیاسی همچون سایر ابعاد قدرت ملی، محدود به حوزه داخلی نیست و میزان آن به کیفیت و کمیت تأثیرات خارجی و بین‌المللی نیز ارتباط دارد. لذا میزان قدرت یک واحد با میزان تأثیر و اثر آن نسبت به سایر قدرت‌ها ارتباط تام دارد. مصادیق کاهش تأثیرات بین‌المللی آن عبارت است از:

- ۱- پایین بودن تعداد و سطح نمایندگی‌های رسمی
- ۲- عدم حضور یا محدود کردن حضور در مراجع تصمیم‌ساز بین‌المللی.
- ۳- تعارض با روندهای بین‌المللی: اگرچه در یک رابطه متقابل، قدرت روندهای بین‌المللی نیز تحت تأثیر قدرت کشور معارض قرار می‌گیرد اما با فرض تفاوت جدی دو سطح از قدرت و مقاومت به‌طور طبیعی مگر در شرایط استثنایی کشور معارضه تأثیرات بیشتری را می‌پذیرد (ره بیک، ۱۳۷۹: ۱۳۶-۱۳۷).

————— ♦ برآورد تهدیدات سیاسی با رویکرد کنترل و مهار و نقش آن در ارتقای امنیت ملی ♦ ۱۳۶

تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق: در اهمیت برآورد اطلاعات به‌عنوان امری مهم و ضروری در برآورد و تحلیل تهدیدات سیاسی، می‌توان گفت، برآورد اعلام وضعیت است که صحنه نبرد خودی با دشمن را ترسیم کرده و وضعیت خودی و نیروهای مخالف، نیازمندی نیروهای خودی و چگونگی تأمین آن‌ها و راهکارهای مقابله با تهدیدات را مشخص می‌نماید و متعاقب آن بخش‌های اقدام‌کننده بر مبنای برآورد انجام شده، اقدامات تاکتیکی و تکنیکی خود را به‌مورد اجرا می‌گذارند. در این رابطه برآورد از طریق شناخت عوامل تهدیدگر و تحلیل عملکرد او در شرایط اضطراری و عادی متناسب با شرایط موجود، می‌تواند وضعیت را با ترسیم آنچه اتفاق خواهد افتاد و محتمل-ترین تصمیم‌های پیش‌روی عوامل تهدیدکننده، برای اعمال تهدید را با تعیین اولویت، به‌نظر تصمیم‌گیران رسانده و راهکارهای مقابله‌ای را نیز به ترتیب اهمیت پیشنهاد نماید. همچنین ضمن شناسایی مراحل شکل‌گیری تهدید، با تحلیل و درک درست بازیگران از آن، شرایط را برای تصمیم‌گیری مطلوب فراهم نماید. از این رو، با مطالعات صورت گرفته در این تحقیق، ارزش‌های مهم و قابل احترام، معادله قدرت بین دو طرف و درک بازیگران سه‌عامل در شکل‌گیری تهدید مهم بوده، که هر یک از آن‌ها به نوبه خود می‌تواند در کاهش و یا افزایش آن نقش‌آفرینی نمایند که در این میان تهدید سیاسی یکی از مهم‌ترین تهدیداتی است که ثبات حکومت را متزلزل و زمینه را برای برهم زدن بافت سیاسی دولت و شرایط فروپاشی نظام فراهم می‌آورد. با بررسی انجام شده و مطالعه منابع موجود در حوزه تهدیدشناسی و مسائل سیاسی و نظرخواهی از جامعه آماری و با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی، مشخص شد که عوامل اصلی بروز تهدیدات سیاسی ناشی از عدم برآورد به‌موقع پدیده‌های اجتماعی بالقوه در جامعه است، با این توضیح که پدیده‌ها به‌خودی‌خود، برای جامعه مشکل‌ساز نیستند، ولی به‌مرور زمان در صورت برخوردهای نامناسب با آن‌ها و تأمین نشدن نیازهای منطقی، ممکن است از حالت بالقوه خارج شده و به‌صورت بالفعل مشکلاتی برای جامعه و نظام سیاسی به بار آورند و در این اثنا مورد توجه سودجویان و فرصت‌طلبان سیاسی و اجتماعی قرار گیرند و فرایند سیاسی و امنیتی شدن را طی نمایند. در این صورت اگر برآورد صحیح از آسیب‌ها و تهدیدات بالقوه در جامعه صورت بگیرد و پدیده‌ها قبل از تبدیل شدن به شرایط آسیب‌زا و تهدید، مورد شناسایی و تحلیل قرار گیرند، می‌تواند به‌عنوان یک فرصت برای کنترل و مهار آسیب‌ها و تهدیدات سیاسی مورد استفاده قرار بگیرند و در نهایت به ارتقای امنیت ملی منجر شوند. در همین راستا بر اساس نظرسنجی از نخبگان و صاحب‌نظران در

۱۳۷ فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و پنجم، پاییز ۱۳۹۶

این حوزه، پدیده‌های اجتماعی به جهت تبدیل شدن به تهدید سیاسی در دو سطح ملی و فراملی مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که اگر در سطح ملی آسیب‌ها و نقاط ضعف به موقع شناسایی شوند نسبت به تقویت آن‌ها اقدام و ضعف‌ها به قوت تبدیل خواهند شد و در سطح فراملی هم اگر تهدیدات به موقع برآورد شوند به‌عنوان یک فرصت برای مقابله با آن‌ها استفاده خواهد شد.

روایی و پایایی پرسشنامه ساخته شده به آزمون گذاشته شده و آلفای کرونباخ به دست آمده برابر ۰۸۴ بوده است. شاخص‌های آماری و توصیفی پاسخ‌دهندگان به شرح جدول زیر بوده است؛ در سطح ملی تعداد ۱۰ شاخص و در سطح فراملی تعداد ۱۰ شاخص به‌عنوان پدیده‌های اجتماعی مورد آزمون قرار گرفته است.

جدول شماره ۱- شاخص‌های آماری کار سابقه * مدرک تحصیلی * سن پاسخ‌دهندگان

سابقه کار	مدرک تحصیلی		Total	
	فوق‌لیسانس	دکتری		
10-14 سن	29-33	1	1	2
	Total	1	1	2
20-24 سن	34-38	4	1	5
	Total	4	1	5
up 24 سن	up 38	2	2	4
	Total	2	2	4
Total سن	29-33	1	1	2
	34-38	4	1	5
	up 38	2	2	4
	Total	7	4	11

مدل پیشنهادی بر اساس یافته‌های تحقیق و تحلیل محتوای انجام شده به شرح بالا هست:

مراحل برآورد:

- شناسایی: «شناسایی» فرآیند دستیابی، تحلیل و معنابخشی «اطلاعات» را شامل می‌شود و باعث می‌شود تا عواملی که عدم تعادل در سیستم به وجود می‌آورند شناسایی شوند. این اقدامات بعد از عبور از سه صافی؛ ارزیابی اطلاعات به منظور جداسازی اطلاعات نادرست، دسته‌بندی اطلاعات به منظور آسان‌سازی کاربری و درک معنای آن‌ها و تحلیل اطلاعات برای نفوذ به درون آن‌ها و کشف معانی واقعی‌شان، در نهایت اگر «تهدیدآمیز بودن» آن‌ها تأیید گردد و در آن صورت، مرحله «شناسایی» با اطلاق عنوان رسمی «تهدید» بر آن پدیده، به انجام می‌رسد.
- تحلیل و تعیین حجم تهدید: موضوع آن «شناخت کلی» ابعاد و وجوه «تهدید» است و شامل فرآیند شناخت «حجم تهدید» است که (حداقل) هشت بعد زیر را شامل می‌شود:
 - ✓ حجم ساختاری تهدید (شناسایی و تجزیه و تحلیل شبکه ارتباطات تهدید)،
 - ✓ حجم تاریخی تهدید (از طریق پیوند زدن بین «تهدید» در زمان حال با تحولات تاریخی در گذشته)،
 - ✓ حجم هنجاری تهدید (تأثیر هنجارها بر عمق و گسترده تهدیدات)،
 - ✓ حجم زمانی تهدید (بررسی ارتباط تهدید «حال» با ظرف زمانی آینده تا زمان وقوع آن در آینده قابل حدس زدن باشد)،
 - ✓ حجم قدرت تهدید (از حیث منابع نرم‌افزاری و سخت‌افزاری در سطح داخلی و خارجی و قدرت درونی و بیرونی)،
 - ✓ حجم رفتاری تهدید (تعیین حجم رفتاری و ضوابط و قواعد تهدید و توجه به نوع رفتار تهدید)،
 - ✓ حجم آثار و پیامدها تهدید (بررسی آثار تهدید در کوتاه و بلندمدت از نظر زمان و گستره مکانی)
- ✓ تعداد بازیگران تهدید (از طریق شناسایی تعداد نفرات شرکت کننده در تهدید)
- سنجش تهدید:
 - ✓ تجزیه تهدید و سنجش موردی ابعاد تهدید با بررسی ابعاد هشت‌گانه تهدید؛
 - ✓ ترکیب تهدید و سنجش کلیت حجم تهدید؛

برآورد تهدیدات سیاسی با رویکرد کنترل و مهار و نقش آن در ارتقای امنیت ملی ♦ ۱۴۰

• طراحی و اجرا:

طرح‌هایی که امکان اجرایی شدن سخت‌افزاری و نرم‌افزاری لازم برای آن وجود داشته باشد.

• کنترل و نظارت:

در این مرحله آثار و نتایج حاصل از اقدامات، مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد و در صورت محقق نشدن اهداف و برنامه‌ها، اقدامات اصلاحی صورت می‌گیرد.

بر این اساس، در صورت برآورد صحیح و به‌موقع، از تبدیل شدن پدیده‌ها به تهدید جلوگیری و در صورت بروز تهدید اقدامات کنترلی بر روی آن‌ها اهماال شده و قبل از اینکه، سیستم را با عدم تعال مواجه کند، تهدید مهار و اقدامات مقابله‌ای شکل می‌گیرد.

تهدیدات با توجه به موارد فوق برآورد می‌شوند. برابر بررسی‌های انجام شده هر پدیده‌ای ممکن است در اثر بی‌توجهی مردم و مسئولین به تهدید تبدیل شود. در این میان تهدیدات سیاسی هم شامل این فرایند بوده و ممکن است در دو سطح ملی و فراملی به شرح زیر شکل گیرد که در صورت کنترل و مهار، هر یک از پدیده‌های زیر، می‌توانند به‌عنوان یک فرصت در ارتقای مشروعیت و اقتدار در همه حوزه‌های امنیتی از جمله در حوزه سیاسی نظام نقش‌آفرینی نمایند:

پدیده‌های سیاسی در سطح ملی (داخلی)

- وجود نارضایتی در بین مردم
- افزایش شکاف‌های اجتماعی، سیاسی و ...
- فاصله گرفتن اقوام و قومیت‌ها از حکومت
- اختلاف‌نظر درباره مسائل مختلف جامعه در بین مسئولین
- ایجاد شکاف بین مردم و رهبران
- تعارض بین هویت‌های قومی
- توزیع نامناسب ثروت، شأن اجتماعی و.. در جامعه
- بالا بودن نرخ فساد سیاسی، اداری
- شکل‌گیری اعتراض و انتقاد نسبت به عملکرد مسئولین
- بی‌ثباتی سیاسی
- وجود اختناق، ظلم، ناشی از وجود شورش‌ها و بحران‌های سخت
- ضعف در اداره حکومت و عدم مقبولیت و مشروعیت دولت

- توزیع نابرابر
 - پدیده‌های سیاسی سطح فراملی (بین‌المللی)
 - دخالت بیگانگان در امور داخلی
 - اختلاف میان کشورهای مسلمان
 - ایجاد تحریم‌های همه‌جانبه
 - تفرقه‌افکنی در بین مردم با اهداف پیش‌بینی شده
 - دامن زدن به اختلافات مرزی بین دو کشور
 - حمایت از احزاب و گروه‌های سیاسی مخالف
 - نخبه پروری با هدف بهره‌برداری در آینده
 - گسترش پایگاه‌های نظامی در اطراف کشور
 - کاهش تأثیرات بین‌المللی
 - تلاش تبلیغاتی به منظور امنیتی جلوه دادن کشور
 - تجاوز آشکار
- شواهد نشان می‌دهد شناخت به موقع و آسیب‌شناسی دقیق وضعیت موجود می‌تواند در پیشگیری از حوادث ناگوار مؤثر باشد. در این میان برآورد و شناسایی پدیده‌های بالقوه و انجام اقدامات مناسب می‌تواند تهدیدات اجتماعی، سیاسی را به فرصت تبدیل و دولت‌ها ضمن کنترل و مهار پدیده‌های آسیب‌زا، از آن‌ها به‌عنوان نکته قوت در اداره حکومت و تعامل با دنیای بیرونی به نحو مطلوب استفاده نمایند.



نتیجه‌گیری و پیشنهادها: تهدیدات سیاسی ترکیبی از تهدیدات و فرصت‌ها هستند؛ یعنی یک پدیده اجتماعی در مقتضیات زمانی و مکانی ممکن است تحول پیدا کرده و به صورت فرصت و یا تهدید تجلی نماید. بر این اساس هر پدیده سیاسی در ابتدا به صورت پدیده اجتماعی است که ممکن است به صورت امنیتی یا غیرامنیتی ظهور نماید. چه بسا حساسیت بیش از حد بر روی یک پدیده، آن را یک تهدید جدی تلقی نماید و مدیریت صحیح مدیران نیز می‌تواند یک پدیده را به حوزه غیرامنیتی هدایت نموده و آن را به فرصت تبدیل نماید.

برای نمونه، تهدید در حوزه‌های هویت، مشروعیت، مشارکت، نفوذ، توزیع از مهم‌ترین مواردی هستند که ممکن است یک نظام سیاسی را درگیر نماید. قدرت‌های بزرگ تلاش دارند با حضور مستقیم و غیرمستقیم خود در کشورها و ورود در سیستم‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی، حکومت‌ها را به اشغال سیاسی درآورند و در صورت عدم موفقیت، از شیوه‌های مختلف برای تضعیف و ضربه زدن به نظام حاکم استفاده کنند و برای تحقق این اقدام در سطح ملی و فراملی از طریق اپوزیسیون و جریان‌های معارض به بهانه ایجاد دموکراسی و با فریب افکار انجام می‌دهند. در شرایط فعلی قدرت‌های خارجی و گروه‌های مختلف برای ایجاد تغییر، رویکرد تهدیدات سیاسی در غالب تهدیدات نرم را به‌عنوان بهترین مدل و شیوه مؤثر در رسیدن به اهداف انتخاب نموده‌اند. بر اساس همین راهبرد با سیاه‌نمایی از وضعیت موجود و ایجاد نارضایتی، هدایت و مدیریت اپوزیسیون مخالف در داخل و خارج و حمایت از به‌صحنه آمدن تمام مخالفین و معاندین با استفاده عملیات روانی، نبرد رسانه‌ای و فضای سایبری، ایجاد نافرمانی مدنی، تحریک اقوام و قومیت‌ها در صدد ایجاد ناامنی، بحران و دامن زدن به اغتشاشات تا مرحله فروپاشی نظام سیاسی، در کشور وارد صحنه می‌شوند. نتایج تحصیل شده حاکی است که هر تهدیدی دارای بستری اجتماعی در گذشته و هویت‌های نامحسوس در درون جامعه است که در صورت درک صحیح و مدیریت آن می‌توان با هزینه‌ای ناچیز به نتایج کاربردی در خصوص تأمین منافع بازیگر دست یافت و پدیده سیاسی را که ترکیبی از تهدید و فرصت است را به فرصت تبدیل نمود. برآورد تهدید باعث می‌شود که دولت‌ها در مواجهه با تهدید، اقداماتی را از جمله؛ شناسایی تهدید، تحلیل تهدید، سنجش تهدید، طراحی الگوی مناسب برای مواجهه با تهدید، کنترل و مهار تهدید را، طراحی و به اجرا گذارد. این فعالیت‌ها با هدف تشخیص قابلیت‌ها، محدودیت‌ها و آسیب‌پذیری‌ها، نیات (راه‌کارها) و محتمل‌ترین راه‌کارهای عوامل تهدیدگر صورت می‌گیرد.

بنابراین با توجه به این موارد، تنها با انجام برآورد صحیح از شرایط می‌توان آسیب‌ها و تهدیدها را

————— ✦ برآورد تهدیدات سیاسی با رویکرد کنترل و مهار و نقش آن در ارتقای امنیت ملی ۱۴۴۵

شناسایی و تحلیل درست به موقع ارائه نمود و در ادامه راه‌کارهای مناسب برای کنترل و مهار را انتخاب کرد، در این شرایط می‌توان از تبدیل پدیده‌های اجتماعی آسیب‌زا به تهدیدهای سیاسی جلوگیری کرد و در صورت فراهم بودن شرایط لازم آن‌ها را به فرصت تبدیل نمود. در چنین شرایطی زمینه برای ارتقای امنیت ملی فراهم خواهد آمد بدیهی است در صورت عدم تشخیص، پدیده‌های فوق به‌عنوان تهدید جدی برای نظام سیاسی تلقی شده و حیات آن را با خطر مواجه می‌کند.

وقتی که تهدید وارد حوزه سیاسی شد فرصت در این حالت بسیار کم بوده و مدیران بلافاصله باید به آن رسیدگی کنند و از ورود آن به حوزه امنیتی جلوگیری نمایند. در صورت ورود به این حوزه هزینه به‌شدت افزایش یافته و پدیده‌ای که در قالب تهدید مطرح است به بحران تبدیل می‌شود. لذا پیشنهادهای زیر در دو سطح ملی و فراملی مطرح می‌گردد که در صورت انجام به‌موقع از وقوع تهدید به‌صورت بالفعل جلوگیری به عمل خواهد آمد

الف- در سطح ملی (داخلی)

۱- آسیب‌شناسی اجتماعی و تلاش برای حل معضلات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و

فرهنگی

۲- تلاش برای توسعه سیاسی از طریق انتخاب دولت پاسخگو و خدمت‌گذار برای تحقق

وحدت ملی، منافع ملی، امنیت ملی و اهداف ملی

۳- ایجاد اجماع در بین نخبگان سیاسی و شرکت مردم در همه مسائل مرتبط با تعیین

سرنوشت آن‌ها

۴- تلاش برای فراهم آوردن خویشتن‌داری در جناح‌های سیاسی در مقابل رقبا برای ایجاد

فضای تعامل در جامعه.

۵- شناخت نقاط روانی و اختلاف برانگیز؛ و تلاش برای ایجاد وحدت بین شیعه و سنی و

جلوگیری از ایجاد تفرقه و عوامل زمینه‌ساز آن.

۶- پشتیبانی دولت از احزاب شناسنامه‌دار، برای جلوگیری از رجوع آن‌ها به خارج از کشور.

۷- تلاش دولت برای قرار گرفتن نخبگان وفادار به نظام در رأس احزاب.

۸- تلاش برای ایجاد اتحاد ملی

۹- عدم قابلیت و کارایی فرایندهای خشونت‌آمیز (اراده‌گرایی سیاسی آمرانه).

۱۰- استفاده بهینه از ظرفیت‌های فرهنگی و هنری.

- ۱۱- ارتقاء منزلت و جایگاه حقوقی و اجتماعی.
 - ۱۲- جهت‌دهی به انگیزه‌های اجتماعی از گرایش به سوی خاستگاه‌های انگیزشی مادی به خاستگاه‌های دینی.
 - ۱۳- تقویت وجوه مثبت فرهنگ ملی و قومی در جهت هم‌سویی آن با فرهنگ دینی
 - ۱۴- حمایت از خرده فرهنگ‌ها و پاسداشت آداب و رسوم و اقوام مختلف.
- ب- در سطح فراملی (بین‌المللی)
- ۱- ایجاد سیستم بازدارندگی به گونه‌ای که برای رسیدن به هدف، در رفتار طرف مقابل نفوذ کرده و برای حل مسائل خود از شیوه‌های غیرنظامی استفاده نماید.
 - ۲- برقراری روابط حسنه با کشورهای اسلامی و انعقاد پیمان‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.
 - ۳- ایجاد نهاد فراملی همانند خاورمیانه اسلامی با ایجاد وحدت در این کشورها با هدف انسجام اسلامی و همگرایی بین‌المللی
 - ۴- حذف روادید در کشورهای اسلامی منطقه و امکان تردد آزاد مردم در این کشورها.
 - ۵- پیگیری برای خلع سلاح و کنترل تسلیحات در منطقه.
 - ۶- تأمین اقتدار سیاسی و ارتقای منافع ملی از طریق دیپلماسی و مذاکره (در این وضعیت با پیشبرد برنامه‌ها در سیاست خارجی از تنش میان دو بازیگر یا دو کشور باید جلوگیری کرد)
 - ۷- به‌کارگیری همه امکانات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور برای خنثی نمودن و یا کم اثر نمودن اقدامات سیاسی و محدودیت‌های اعلام شده از سوی کشورهای غربی.

منابع:

- ۱- آیت الله خامنه‌ای (۱۳۹۱)، سایت ولایت.
- ۲- آیت الله خامنه‌ای (۱۳۹۳) مفهوم شناسی و فرآیند مقابله با تهدید نرم (ریشه‌یابی در مورد فتنه...) سایت ولایت.
- ۳- ابو فایرآبند و روزالیند فایرآبند (۱۳۷۹) *خشونت سیاسی و ثبات سیاسی*، ترجمه اصغر افتخاری، تهران، نشر سفیر.
- ۴- ادوارد آذر، چونگ - این مون، *ابعاد نرم‌افزاری امنیت ملی: مشروعیت، انسجام و ظرفیت سیاسی*، ترجمه گروه امنیت ملی، مجله سیاست دفاعی، شماره ۲۲.
- ۵- اسکندری، حمید (۱۳۹۰)، *دانستنی‌های پدافند غیرعامل*، تهران، بوستان حمید.
- ۶- اسماعیلی، محسن (۱۳۹۱) *برآورد تهدیدات*، تهران
- ۷- اشنایدر، کریگ. آ. (۱۳۸۵) *امنیت و راهبرد در جهان معاصر*، ترجمه اکبر عسگری صدر و فرشاد امیری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۸- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰) *رویکردها و نظریه‌ها*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۹- افتخاری، اصغر (۱۳۸۵) *کالبدشکافی تهدید*، تهران، دانشگاه امام حسین (ع)، مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی.
- ۱۰- افتخاری، اصغر (۱۳۸۶) *شاخص‌های سنجش تهدید*، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال پنجم، شماره هجدهم.
- ۱۱- افتخاری، اصغر (۱۳۹۰) «*برآورد تهدید؛ رویکردی نظام‌واره*»، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- ۱۲- الوانی، سیدمهدی (۱۳۸۸)، *مدیریت عمومی*، تهران، سمت.
- ۱۳- امیرخانی، کاوه- بابایی، اکبر- کریمی مله، علی (۱۳۸۹). «*تهدیدات سیاسی امنیت ملی از دیدگاه امام خمینی (ره)*» تهران، فصلنامه مطالعات راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی
- ۱۴- اعظمی، هادی- دبیری، علی اکبر (۱۳۹۰). «*تحلیل عناصر تهدید سیاسی- امنیتی در نظام تقسیمات کشوری ایران*»، مشهد، دانشگاه مشهد

۱۵- بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه ناشر، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۱۶- پاک آیین، محسن (۱۳۸۹) جنگ نرم، فن مقابله با تقریب مذاهب اسلامی

۱۷- <http://mosenpak.blogfa.com/rss>

۱۸- جمراسی فراهانی، علی‌اصغر (۱۳۷۴) بررسی مفاهیم نظری امنیت ملی، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.

۱۹- دیوید ساندرز (۱۳۸۰) الگوهای بی‌ثباتی سیاسی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۲۰- رضایی، اسدالله (۱۳۸۶) کالبدشناسی احزاب سیاسی، تهران، عامه.

۲۱- روشندل، جلیل (۱۳۷۴) امنیت ملی و نظام بین‌الملل، تهران، همت.

۲۲- ره پیک، سیامک (۱۳۷۹) مدیریت تحولات اجتماعی و امنیت ملی، مجموعه مقالات همایش تغییر و تحولات فرهنگی - اجتماعی و امنیت ملی، دانشگاه تهران و مرکز بررسی‌های استراتژیک.

۲۳- زارعی متین، حسن (۱۳۸۰)، مبانی سازمان و مدیریت (رویکرد اقتضایی)، تهران، دانشگاه تهران.

۲۴- زندی، ابراهیم (۱۳۸۸) براندازی و ضد براندازی، معاونت پژوهش دانشکده امام باقر (علیه‌السلام).

۲۵- سلیمی بنی، صادق (۱۳۸۷)، قوت‌ها و ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات سیاسی نظام جمهوری اسلامی در سال‌های پایانی دهه سوم انقلاب، همایش ملی سی سال انقلاب اسلامی؛ دستاوردها، آسیب‌ها و فرصت‌ها، تهران، دانشگاه شریف،

۲۶- صنیعی، محمدحسین (۱۳۹۰)، فرایند تهدید شناسی، تهران، پژوهشکده مطالعات کاربردی فارابی.

۲۷- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۶) «مدیریت ادراک تهدیدات امنیتی»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال پنجم، شماره هجدهم.

۲۸- غریاق زندی، داود (۱۳۸۵). راهبردهای امنیتی ایالات متحده در خاورمیانه، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

————— ✦ برآورد تهدیدات سیاسی با رویکرد کنترل و مهار و نقش آن در ارتقای امنیت ملی ۱۴۸۵

۲۹- کامل السعید، مصطفی (۱۳۸۳). مشروعیت و امنیت در کشورهای عربی، پژوهشکده مطالعات.

۳۰- کالینز، جان ام (۱۳۶۸). استراتژی بزرگ (اصول و رویه‌ها)، ترجمه کوروش بایندر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

۳۱- کنعانی مقدم، حسین (۱۳۸۹) سیری در تاریخ سیاسی احزاب در ایران و جهان، تهران، فاران.

۳۲- گروه مطالعات امنیت (۱۳۸۷) تهدیدات قدرت ملی، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.

۳۳- گزارش تحقیقاتی (۱۳۸۱) مفهوم شناسی امنیت (شرحی بر تهدیدات امنیتی)، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۳۴- گزارش تحقیقاتی (۱۳۸۸) تهدید نرم، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.

۳۵- گزارش کاربردی (۱۳۸۱) پژوهشکده مطالعاتی راهبردی.

۳۶- ماندل، رابرت (۱۳۷۹) چهره متغیر امنیت ملی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۳۷- مرادیان، محسن (۱۳۸۵). ابعاد و مظاهر تهدیدات، چاپ اول، تهران، مرکز آموزش شهید صیاد شیرازی.

۳۸- موحدی نیا، جعفر (۱۳۸۶) اصول و مبانی پدافند غیرعامل، تهران، دانشگاه صنعتی مالک اشتر.

۳۹- نباتی، عزت ا... (۱۳۸۸) اصول و مبانی پدافند غیرعامل در امنیت ملی (۲)، تهران، دانشکده علوم و فنون فارابی

۴۰- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰) سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه، محسن ثلاثی، تهران، نشر علم.

۴۱- هرسنی، صلاح الدین (۱۳۹۰) بررسی ابعاد تحریم ایالات متحده آمریکا و غرب علیه ایران از منظر حقوق بین الملل

s.harsani.k@gmail.com